

نگاهی به برزیل در آستانه برگزاری مسابقات جهانی فوتبال!



Brazil Subway workers and other union protest in downtown São Paulo

حمید قربانی

برزیل در حالی فردا باید اولین مسابقه جام جهانی ۲۰۱۴ را آغاز نماید که:

هنوز بطور واقعی هیچ استادیومی آماده و امتحان شده برای برگزاری مسابقات وبویژه آزمایش جا برای نشست تماشاچیان نیست. از این نظر همه اخطار می کنند که ممکن است، فجایع انسانی جبران ناپذیری به بار آورد. این را حتی امشب تلویزیون دولتی سوند هم اعلام نمود. این در حالی است که دولت برزیل نزدیک به سی میلیارد دلار آمریکائی (دقیقاً چیزی که اعلام شده است ۲۶/۸ میلیارد دلار می باشد.) تا کنون برای ساختن استادیوم ها و هتل های لوکس و غیره خرج نموده است.

باید این را نیز فوراً تذکر داد که کشور برزیل آقای اقتصاد سرمایه داری درلاتین آمریکاست وبرگزاری این مسابقات از نظر شخصیتی و پرستیژ سیاسی برایش خیلی مهم هستند. دولت اش تقاضای عضویت دائم در شورای امنیت را دارد یعنی مایل است که همراه آلمان، هند و آفریقای جنوبی جزو کلوب اصلی سران جنایت کاران جهان، دولت های امپریالیستی دارای حق وتو در سازمان ملل متحد در ظاهر و در باطن و بطور واقعی بین دولتین باشد. اکنون دولت های امپریالیستی آمریکا، روسیه، انگلیس، فرانسه و چین این حق را دارند.

دولت برزیل در صورتی، سی میلیارد دلار برای ساختن استادیوم های جدید و دیگر مکان های لوکس برای این مسابقات فوتبالی خرج کرده است که بعد از این مسابقات اکثر آنها بی مصرف می مانند، یعنی به زبان دیگر یک بار مصرف می باشند. زیرا که قیمت اجرای مسابقات در این استادیوم ها این قدر گران است که به جز دو تیم بزرگ فوتبال کشور برزیل، هیچ تیم دیگری قادر نیست و نمی تواند، مسابقات را در آنها برگزار کند و هتل ها که نگو! این را هم، امروزه روزنامه های لیبرال، حتی دولتی و غیره نیز اعلام می کنند. همین امروز گزارشی در روزنامه خبرهای روز به زبان سوئدی بود که همین و خیلی چیزهای دیگر را آورده بود و نتیجه گرفته بود که اکثر مردم نه تنها کارگر و بی مسکن بلکه اقشار متوسط و کارمند نیز، از خود می پرسند که آیا به جای این همه خرج بیهوده بهتر نبود که برای اجرای قول هائی که رئیس جمهور قبلی یعنی لولو دوسیلوا داده بود به مصرف می رسید و مسابقات هم در استادیوم های موجود اجرا می گردیدند؟ ما از این همه بدبختی که حتی خانه نشین مان با یک باران موسمی پر از کثافات خانه های دیگر می گردد و یا امکان غرق شدن در رودخانه و دریا را دارد، نجات می یافتیم تا صرف این همه زرق و برق و همراه با این همه رشوه های کلان شود؟ جواب آنها یک آه، و ناامیدی بزرگ است!

این در کشوری است که اکثریت مردم کارگر و زحمتکش آن، حتی از سرپناه و آب آشامیدنی سالم و برق و آموزش مناسب برای کودکانشان و تغذیه مناسب و ... نیز محروم هستند.

بر علیه چنین وضعیتی است که کارگران و معلمان، پرستاران، دانشجویان و دانش آموزان و دیگر له شده گان بارها و تقریباً هر روزه در این یک سال اعتصاب و تظاهرات و اعتراض کرده اند. اکثر این تظاهرات ها با شدید ترین وجهی مورد حمله پلیس و ارتشیان موتور سوار و اسب سوار و باتانگ و هلی کوپتر های نظامی و مجهز به سپر هائی که انسان را یاد سربازان قدیمی رومی می اندازند، قرار گرفته اند. بعنوان نمونه خیلی کوچک، ولی نه کم اهمیت، اینکه در یکی از این حمله ها به یک محله کارگری و فقیر نشین و بی مسکنان، در ریو دو ژانیرو پلیس با پرتاب کیسول های آتش زا و دودزا باعث مرگ دو کودک و همراه پدر و مادر بزرگ بیمارشان شد. **همسایه ها با فریاد اعلام می کردند که اجازه ورود به آنها داده نشد.**

هم اکنون علاوه بر اینکه هر روز در شهرهای بزرگ مانند سائوپولو و ریودوژانیرو، ولی در شهر های کوچک و حتی دهات نیز، کارگران بی مسکن و مردم بومی یعنی سُرخ پوستان، جوانان و دانشجویان و ... در حال تظاهرات و اعتراض هستند و در خواست نه به مسابقات فوتبال، نه به رشوه خواری و پول شوئی، آری به مسکن مناسب، بهداشت و آموزش مجانی، حمل و نقل عمومی مجانی و یا ارزان قیمت، بیمه های اجتماعی و حقوق مناسب و مکفی برای زندگی و ... را دارند. معلمان کشور و کارگران متروی شهر سائوپولو در حال اعتصاب هستند. آنها خواهان بالا بردن حقوق خویش، حمل و نقل عمومی مناسب و مجانی برای شهروندان و آموزش و پرورش مجانی و با استاندارد های بالا و خوب برای دانش آموزان و فرزندان مردم کارگر و زحمتکش هستند. برای همین

است که با وجود برخوردهای وحشیانه پلیس اعتصابات با پشتیبانی عمومی همچنان ادامه دارند.

در یکی از لینک های زیر مطلب ما مشاهده می کنیم که چطور پلیس در صبح زود امروز یعنی نهم ژوئن ۲۰۱۴، به کارگران مترو که ۵ روز متوالی است که اعتصاب کرده و مورد پشتیبانی عموم هستند، با گاز اشک آور و گاز شوک کننده حمله ور شده است. در این یورش که در صبح زود به ۱۰۰ نفر از کارگران در یک منطقه از این ایستگاه مرکزی و بزرگ یورش برده، ۱۳ نفر از کارگران بوسیله پلیس دستگیر شده اند. معاون ترانسپورت برزیل اعلام می کند که باید همه این کارگران را اخراج کرد و ما این حق را داریم و انجام می دهیم، از طرف دیگر یکی از رهبران اتحادیه ی کارگری بدرستی بر حقوق کارگران تأکید کرده و می گوید که این اخراج ها فقط شرایط را بدتر می کند. بقیه کارگران اعتصابی همراه با کارگران بی مسکن و دیگر اعضای اتحادیه های کارگری و جوانان را در حال تظاهرات می بینیم. فردا قرار است تظاهرات و اعتراضات با جمع آوری امضاء برای محکومیت دولت برزیل و سران فیفا و رشوه خواری و رشوه دهی های میلیونی اوج تازه ای بگیرند.



این مسابقات جهانی امسال دربرزیل یکی از پر خرج ترین و غیر آماده ترین مسابقات جهانی فوتبال ارزیابی می شود که احتمال دارد با فجایع جبران ناپذیر انسانی مواجه گردند، هم اینکه بعلت ناآمادگی استادیوم ها و امتحان نشدن محل نشست تماشاچیان مست و پاتیل و منگ شده بوسیله سم ناسیونالیستی و هم اینکه تظاهرات و اعتراضات شدید و برخورد های وحشیانه پلیس و بقیه نیروهای سرکوبگر موجود هستند و هر روز وحشیانه تر می شوند.

رئیس جمهوربرزیل خانم **دیلما روسف** نیر، هم زن است و هم جزو نیروهای قدیمی چپ و چریک بوده است و زندان هم کشیده است. او اکنون مورد باز آموزی مانند خیلی های دیگر از جمله رئیس جمهوران قبلی و کنونی آفریقای جنوبی بعد از سرنگونی رژیم آپارتاید قرار گرفته و بعد از سرنگونی خوتناهای نظامی و همکارش لو لو دسیلوا رئیس جمهور است و جنایت می کند.

از طرف دیگر اینکه نیروهای تحت فرمان خانم دیلما روسف الان و امروزه این چنین با کارگران و زحمتکشان برخورد دارند، این واقعیت را می رساند که فرق نمی کند که چه کسی و با چه شیوه ای- کودتائی، انتخابی، انتصابی و...- بر مسند ریاست دولت تکیه زند. دولت در سیستم استثماری و سود پرست سرمایه داری و بویژه امپریالیستی کنونی، سگ نگهبان سیستم موجود است که

این سیستم در اصل و اساس سود می خواهد و هر جا و هر زمان که این سود و کلاً سیستم سرمایه داری تقاضا کند یعنی سیستم و یا بنیاد آن یعنی مالکیت خصوصی بر ابزار تولید، مورد تعرض کارگران و زحمتکشان یعنی صاحبان اصلی و تولید کننده ثروت های اجتماعی و کالا های تولید شده قرار گیرد و آنها حقوق واقعی خویش را در خواست داشته باشند، چماق سرمایه یعنی دولت که در اساس متشکل از دار و دسته های مسلح و جاده صاف کن برای پورش این دار و دسته های مسلح یعنی نماینده گان مجالس قانون گذاری، بی دادگستری، زندان و کلیسا و مسجد یعنی مذهب و غیره است، باید که وظیفه سرکوبگری همه جانبه خویش را و مخصوصاً سرکوب جسمی انجام دهد و انجام می دهد و گر نه، فوراً سردمدارانش را سرمایه بوسیله سرمایه داران و با شیوه های خیلی بی رحمانه خلع و حتی به قتل می رساند. این هم چیزی نیست که من از خود در آورده باشم. تمام واقعیات تاریخی و کنونی و از جمله فرار بنی صدر، سرگذشت کسانی مانند شاه ایران و قتل اولاف پالمه نخست وزیر سوسیال دمکرات دولت سوئد، جان اف کندی و غیره این را می گویند و یا اینکه، هر کسی با نگاهی به کتاب های درسی تاریخی دانش آموزان ابتدائی نیز می تواند این را درک نموده و بداند. برای سرمایه نیز فرق نمی کند که نتوانسته و یا بهر دلیل دیگری بوده است. کارگران و زحمتکشان ایران اینکه دولت نیروی سرکوب سرمایه داران است را به نظر من، با گوشت و پوست خویش لمس کرده و هر روز لمس می کنند و می دانند که دمکراسی و غیره نیز بویژه در شرایط کنونی، یک حرف پوچ و مهمل و بیهوده بیش نیست. اگر جایی هم کارگران سرکوب نمی شوند و یا به حقوقی رسیده اند، فقط مبارزات طبقاتی یعنی اقتصادی و سیاسی شان باعث شده اند.

آری، دولت دستگاه سرکوب طبقه حاکمه یعنی سرمایه دار بر علیه طبقه ی محکوم کارگر و متحدین اش می باشد. دولت دیکتاتوری طبقاتی است! این را بعینه در برزیل هم، بعنوان یکی از این کشورهای باصطلاح دمکراتیک امروز سرمایه داری می بینیم.

به این دولینک توجه نمائید- به زبان انگلیسی

<http://revolution-news.com/brazilian-police-attack-striking-subway-workers-days-world-cup-begins/>

<http://revolution-news.com/brazilians-protest-the-world-cup-in-rio-and-sao-paulo/>

حمید قربانی ۹ ژوئن ۲۰۱۴